

The Cult of Mithras and Mithraism: A Clear-Cut Origin or a Religious Bricolage

Atena Abdoli Masinan¹

Mostafa Dehpahlavan²

Mahmoud Seyed³

(Received on: 2023-04-15; Accepted on: 2023-11-29)

Abstract

The Cult of Mithras (*Mihr*) is an ancient religion that originated in Iran. Evidence of this cult's presence can be found across its historical realm, from east to west. Over the past two decades, scholars from various fields have focused on this cult. Due to the lack of documented sources and conclusive empirical evidence, researchers have proposed different hypotheses about the cult's origins and its spread to other regions, each meriting investigation. This article examines these hypotheses alongside the existing evidence related to the Cult of Mithras. Understanding the origin of this cult is crucial for revealing the roots of Western Mithraism, which is undoubtedly connected to its Eastern counterpart. To achieve this, we consider three types of evidence: historical, archaeological, and theoretical. By analyzing these sources, we can trace the origin of the Cult of Mithras to Indo-European ethnicities in eastern antiquity. These groups, after merging with Persian culture, moved westward, forming a religious bricolage. Along the way, they absorbed various cultural influences, eventually developing into the recognized form of Western Mithraism.

Keywords: bricolage, Mithraism, Cult of Mithras, Mithraism, haoma.

1. PhD student, Department of History and Archeology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: ate.abdolimasinan.lit@iauctb.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Archeology, University of Tehran, Iran (corresponding author).

Email: mdehpahlavan@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of History and Archeology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: m-seyed@iauctb.ac.ir

آیین مهر و میترائیسم: منشأ روشن یا بریکولاژ مذهبی

آتنا عبدلی مسینان^۱، مصطفی ده‌پهلوان^۲، محمود سید^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸]

چکیده

آیین مهر یکی از مذاهب دیرینه و شناخته‌شده ایران باستان است. آثار و شواهد برجای مانده آیین، گستردگی از شرق تا غرب قلمرو آن را نشان می‌دهد؛ از این رو در دو سده پسین، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف علمی قرار گرفته است. نبود منابع مستند و شواهد تجربی قاطع موجب شده است پژوهشگران فرضیه‌های متفاوتی در زمینه زادگاه آیین مهر و شیوه انتقال آن به دیگر مناطق ارائه دهند که هر کدام نیازمند تأمل و بررسی فراوان است. نوشتار حاضر همه فرضیه‌های ارائه‌شده پژوهشگران این حوزه، افزون بر شواهد ابتدایی موجود و در ارتباط با آیین مهر را بررسی می‌کند. موارد نام‌برده برای دست‌یابی به پاسخی روشن و یافتن خانه بدوی مهرپرستی نقش بسزایی دارد. مشخص شدن زادگاه آیین مهر می‌تواند سرچشمه نخستین مهرپرستی یا میترائیسم غربی را آشکار کند که بی‌ارتباط با گونه شرقی آن نیست. در این مسیر با سه گروه از شواهد یا مدارک شامل گواهی‌های تاریخی، شواهد باستان‌شناختی و نظریه‌ها روبرو هستیم. با بررسی و تکیه بر آنها می‌توان منشأ آیین مهر را به اقوام هندواروپایی ساکن در شرق باستان نسبت داد که پس از آمیختن با فرهنگ پارسی به صورت یک بریکولاژ مذهبی به سمت غرب روانه شده، در مسیر خود فرهنگ‌های مختلف را اکتساب کرده و سرانجام به شکل میترائیسم شناخته‌شده غربی در امپراتوری روم به حیات خود ادامه داده است.

کلیدواژه‌ها: بریکولاژ، میترائیسم، آیین مهر، میترا، هوم.

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ate.abdolimasinan.lit@iauctb.ac.ir

۲. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mdehpahlavan@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران m-seyed@iauctb.ac.ir

مقدمه

آیین دیرپا و پررمزوراز مهر با محوریت پرستش میترا، اعمال و ویژگی‌های خاص، فرهنگ‌های بسیاری را تحت تأثیر قرار داده است و با گذشت زمان از نظر وسعت، محدوده گسترده‌ای را دربر گرفته است؛ همچنین به طور باوری جهانی با نام میترائیسم تجلی یافته است. گستردگی محدوده این آیین نشان از عالم‌گیر بودن و اهمیت آن میان اقوام باستان است و بررسی و درک سرچشمه بدوی آن عاملی مؤثر بر پاسخ‌گویی یکی از صورت مسئله‌های مبهم آن است. آیین مهر اگرچه از اندیشه‌های ناب خردگرایی میترای و اندیشه‌های پاک و اهورایی سرچشمه می‌گیرد، با مهرپرستی و میترائیسم تفاوت‌های فراوانی دارد. میترائیسم یا مهرپرستی، نخستین دین مدون و مرسوم جهان شرق باستان به‌ویژه ایرانیان بود (پورشریعتی، ۲۰۱۴؛ پورداد، ۱۳۵۵: ص ۳۹۵؛ ویدنگرن، ۱۳۷۷؛ Foltz، ۲۰۱۳) و سال‌ها پس از ظهور زرتشت، همگام با دوره هخامنشیان به آسیای صغیر و از آنجا با تغییرهایی به صورت آیین رازورزی در امپراتوری روم گسترش یافت. از صدوپنجاه سال پیش تاکنون پژوهشگران بسیاری از حوزه‌های دین، زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ و هنر به بررسی و پژوهش درباره شناخت آیین مهر در ایران و اروپا پرداخته‌اند و دیدگاه‌های متفاوتی درباره اصل و منشأ مهرپرستی ارائه کرده‌اند که جای تأمل بسیار دارد. این فرضیه‌ها سبب حل این مسئله نشده است و اسباب کورت‌شدن گره آن را فراهم آورده است. برای ریشه‌یابی سرچشمه مهرپرستی با تکیه بر بررسی‌های انجام شده، با سه گروه از مدارک روبرو هستیم: ۱. گواهی‌های تاریخی؛ ۲. شواهد باستان‌شناختی؛ ۳. نظریه‌های ارائه‌شده پژوهشگران این حوزه. گواهی‌های تاریخی دربرگیرنده دو بخش متون مذهبی و گفته‌های مورخان کلاسیک می‌شود. همچنین می‌توان شواهد باستان‌شناختی که نمونه‌های آن در شرق بسیار محدود هستند را بر دو بخش تقسیم کرد: نخست: یافته‌های مستقیم که دارای تصویر یا نام

میترا هستند؛ دوم: یافته‌های غیرمستقیم که توسط پژوهشگران این حوزه تنها با معیار قراردادن قرابت یا شباهت نشانه‌های مهرپرستی در متون مذهبی و بقایای پرستش میترا در غرب به این آیین نسبت داده شده‌اند. پرداختن بر هر دو گونه شواهد زمان بسیاری را می‌طلبد؛ زیرا برخی از شواهد غیرمستقیم نسبت داده شده به آیین مهر جای تأمل بسیار دارد و در تاب این نوشتار نمی‌گنجد؛ از این رو در گروه شواهد باستان‌شناختی، بیشتر به شواهدی پرداخته می‌شود که قدمت دیرینه‌تری دارند و می‌توانند در ارتباط با مشخص کردن منشأ یا زادگاه آیین مهر مؤثر واقع شوند. نظریه‌های ارائه شده پژوهشگران این حوزه را می‌توان در پنج گروه منشأ شرقی، منشأ آسیای صغیر، منشأ غربی، بریکولاژ مذهبی و منشأ نامشخص جای داد. این پژوهش در نظر دارد با پرداختن به این سه گروه از شواهد، به جمع‌بندی نهایی درباره منشأ آیین مهر دست یابد.

۱. گواهی‌های تاریخی

۱-۱. متون مذهبی

کهن‌ترین شواهد تاریخی در رابطه با نام مهر یا میترا و الوهیت او از دید زمانی، منابع مذهبی آریایی و ایرانی هستند. این گونه اسناد با وجود محدودیت، در رابطه با قدمت و منشأ مهرپرستی می‌توانند مؤثر واقع شوند. ایزد مهر در وداها - کهن‌ترین متن مذهبی برجای مانده آریایی به زبان هندواروپایی (سانسکریت) - که تاریخ نگارش آن بین سال‌های ۱۷۵۰ و ۶۰۰ پ.م بوده است، با نام میترا به معنای پیمان، همراه با وارونا (همکار و مکمل وی) اشاره شده است (قدیانی، ۱۳۷۸: ص ۳۸۸).

«شما (وارونا و میترا) از ما در برابر بیداد انسان‌های بد حمایت می‌کنید...»

(ریگ ودا، ۱۳۸۶: ص ۳ - ۷ - ۶۵).

در متون مقدس هندو نام میترا وانا مشاهده می شود که به مکانی مقدس در کنار رود چاندرابهاگا در پنجاب هندوستان اختصاص یافته است. در آن محل تندیس و پرستشگاهی برای میترا ساخته شده بود (همباخ، ۱۳۷۹: ص ۱۲-۱۴).

«...وی به محل مقدس آب تنی در میترا وانا رفت، به قصد پرستش خورشید...»

(Bhp¹ 1,127,6-8; Sp² 24,5-7).

«... زیرا میترا در آنجا ایستاده است، (این محل) میترا وانا نامیده می شود»

(Bhp 1,74,22-24; Sp 4,20,22).

در اوستا - کهن ترین متن مذهبی ایرانی زبان - که بخش های گوناگون این مجموعه کهن از زمانی در حدود نیمه هزاره دوم پ.م پدید آمده است، نام میترا به مضمون دوستی، پیمان و الهه ای دیده می شود که از نظر مقام با اهورامزدا هم پایه است (دوستخواه، ۱۳۸۵).

«... از آنجاست که آن مهر بسیار توانا بر همه خانمان های ایرانی بنگرد» (اوستا، مهریشت،

کرده چهارم، بند ۱۳).

همچنین برخی پژوهشگران اعتقاد به حضور نام میترا در میان بندهای گاهان با تکیه بر تفسیر آن دارند و خورشید را میترا می پندارند (Lommel, 1962:360; Henning, 1934:6; Gershevitch, 1959; Tchitouny, 1949:71-368).

«به راستی او هنگامی که دیدن زمین و خورشید با دو چشم را بدترین (گناه) می خواند...»

(بند ۱۰ یسنا، هات ۳۲ (گاهان)).

۲-۱. گفته های مورخان کلاسیک

پس از منابع مذهبی، کهن ترین شواهد تاریخی که بر منشأ و خانه بدوی میترا اشاره دارند، متون مورخان کلاسیک هستند. آنها نویسندگان شناخته شده دوران

باستان هرودوت (Herodotus, I)، گسنوفون (Xenphon, VI, 53) و نویسندگان دوران امپراتوری روم استاتیوس (Statius, I, 716-720) و لوسیان (Lucian, 9) هستند که می‌ترای پرستش شده در روم را با می‌ترای ایرانی مرتبط می‌دانند و اضافه می‌کنند که در زمان رواج این آیین در ایالت‌های روم، میترائیسم آیینی ایرانی به شمار می‌رفته است. پلوتارک (Plutarch, I, 207-210) و لاکتانیوس (Lactantius) در روایات خود تاریخ آیین زروانی (مهرپرستی) را سده چهارم پ.م می‌دانند؛ بدین ترتیب تاریخ ایجاد آن را به دوران هخامنشی می‌رسانند (بنونیست، ۱۳۸۶: ص ۵۱). به گزارش یوبولوس در نیمه نخست سده چهارم پ.م، مهر میانجی بین هورمزد و اهریمن بوده است (بنونیست، ۱۳۸۶: ص ۴۵). کورتیوس روفوس زیست‌نگار اسکندر کبیر در سده چهارم پ.م گزارش می‌دهد که داریوش سوم پیش از پیکار با اسکندر، از سُل و مهر یاری طلبیده است (Curtius Rufus, IV, 12. 13). پورفیری - فیلسوف اواخر سده سوم پ.م - منشأ میترائیسم را به زرتشت در «پارس» نسبت می‌دهد (Porphyry, 1965:600). یوبولوس (Eubulos, 17a) هم در نوشته‌های خود بر این امر تأکید می‌کند که زرتشت در جایگاه نخستین فرد در کوه‌های غربی ایران غاری را برای انجام مراسم دینی وقف می‌ترا کرد (Gordon, 2007:392). به نوشته استرابو، در سده یکم م. در ایران هلیوس (خورشید) که به آن می‌ترا می‌گفتند در کنار دیگر ایزدان مورد ستایش بوده است (Strabo, 15,3,3). اوریجن کشیش سده سوم م. بنا بر گفته‌های سلسوس (Celsus) به شرقی بودن آیین می‌ترا و همچنین به ارتباط حقایق و راز می‌ترا با تعالیم ایرانیان و منشأ ایرانی آن اشاره می‌کند (Origen, 1980:334). دیو کاسیوس مورخ سده دوم و سوم م. از مناسبت تاج‌گذاری تیرداد اول، شاهزاده اشکانی در روم توسط نرون می‌گوید. بر اساس این روایت تیرداد به نرون گفت او را در جایگاه می‌ترا مورد احترام قرار می‌دهد و این مفهومی است که در آن زمان می‌ترای ایرانی برای دو طرف کاملاً شناخته شده است

(Dio Cassius, 63, 5, 2). پایدونانس (Pseudo-Nonnus) نویسنده اوایل سده ششم م. با پورفیری هم عقیده است و برای اثبات تفسیرهای خود به نوشته‌های وی ارجاع می‌دهد (Akçay, 2019).

۲. شواهد باستان‌شناختی

شواهد باستان‌شناختی در جستجوی یافتن سرچشمه و قدمتی برای حضور مهر و مهرپرستی، یکی از مدارک مؤثر این حوزه هستند. این‌گونه شواهد را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد: شواهد مستقیم و شواهد غیرمستقیم.

۲-۱. شواهد مستقیم

کهن‌ترین شاهد باستان‌شناختی مستقیم موجود و مرتبط با نام میترا به عهدنامه منعقدشده میان سویپولولیوما یکم پادشاه هیتی و ماتیوزا پادشاه حوری میتانی و سده ۱۴ پ.م باز می‌گردد. در این عهدنامه نام خدایان میتانی از جمله میترا - وارونا - ایندرا و ناساتیا در کنار هم ذکر شده است. (Onofrio, 2000:51-67)

«هم میترا و هم وارونا، ایندرا و ناساتیا، پروردگار مجلل سرزمین هاران» (KBO I 3)

(Fournet, 2010:3-8) (Mittani-Hitti Treaty), Vol 24-۲۵.

درباره وجود میترا در میتانی و حوزه نفوذ آن اسناد دیگری وجود دارد که به نام Mi-it-ra اشاره کرده است. (Nougayrol, Schaeffer, 1956:247) مایرهوفر واژه میتاراتی Mitaratti حک شده بر لوحه گلی نوزی (محلی باستانی در عراق امروزی) منتسب به ۲۵۰۰ پ.م را به نام میترا ربط می‌دهد و آن را سندی بر حضور میترا در آن زمان می‌داند. وی در کتاب ریشه‌شناسی نام‌های لوحه‌های گلی - ایلامی پرسپولیس بر وجود نام میترا میان این اسناد اشاره می‌کند و گمان می‌برد نام Mi-it-ra، شکل کوتاه و مشتق شده ایزد میتراست که در این لوحه‌ها به شکل Mi-ut-ra دیده می‌شود. (Mayrhofer, 1973:206)

پس از این اسناد، شاهد حضور نام خدای میترا میان اسناد اداری هخامنشیان (گل‌نشته‌های باروی تخت جمشید) هستیم. این متون غیرمستقیم دارای نوشتارهایی از مراسم دینی، خدایان و روحانیان در دوره داریوش بزرگ هستند. در متن k۱ بارو به مراسم مذهبی با نام کُن و میزان پیشکش اختصاص یافته به خدای میترا با عنوان Miššābaka (بغ میترا) اشاره شده است (رزم‌جو، ۱۳۷۶: ص ۱۷۲).

ظروفی موسوم به ظروف هوم آفشری از خزانه تخت جمشید در ارتباط با دوره خشایارشا به دست آمده است که شامل پنج مورد هاون، دسته‌هاون‌های سنگی و بشقاب‌ها می‌شود. این ظروف دارای کتیبه‌های آرامی آراسته به نام داتا میترا Data-Mithra هستند (تصویرش (Bowman, 1970: 28-30). (۱)

«در تشریفات مذهبی، ... استفاده کرد از این هاون سنگی ...، در کنار گنجینه داتا - میترا»

(Bowman, 1970: 71) (Mortar (PT5. 427). T(18); Pl. 2)



تصویرش ۱: هاون و دسته‌هاون با کتیبه به خط آرامی مزین به نام Data-Mithra، خزانه تخت جمشید،

در متن سنگ نبشته‌های شوش و همدان اردشیر دوم هخامنشی (۳۵۹-۴۰۴ پ.م) نام میترا همراه با آناهیتا و اهورامزدا فراخوانده شده است (شورتهایم، ۱۳۷۱: ص ۱۷).

«گوید اردشیر شاه بزرگ ... به یاری اهورامزدا، آناهیتا و میترا ... بسازند. اهورامزدا، آناهیتا و

میترا مرا ...» سنگ نبشته اردشیر هخامنشی در شوش. (Kent, 1953: 154) (A2Sa)

میان گل نبشته‌های باروی تخت جمشید هم هنگام با دوره اردشیر دوم، دگر باره نام میترا در متن‌های V-2337 و V-2290، V-2211، V-2206 همراه با نام سپندارمذ چشم نوازی می‌کند (رزم‌جو، ۱۳۷۸: ص ۸).

کتیبه پلکان غربی کاخ تچرو کاخ G اردشیر سوم هخامنشی با نام میترا به صورت MiOra-baga مزین شده است. (Kent, 1953: 156)

پس از این شواهد، شاهد حضور نام مهر میان یافته‌های باستان‌شناختی اشکانیان هستیم. در سفال‌نوشته‌های شهر نسا که استراکون یا استراکانامیده می‌شوند، نام مهر به عنوان روز شانزدهم ماه از گاه‌شماری مزدیسنا مشاهده می‌شود (تصویر ش ۲) (ده‌پهلوان، ۱۳۹۷: ص ۶۰). «روز همورتات آورده شده توسط سپسک موبد: روز ۱۶/ میهر (?) ...» (دیاکونوف، ۱۳۸۳:

ص ۱۳۱-۱۳۲).



تصویر ش ۲: نمونه‌ای از یک سفال‌نوشته نسا، (دیاکونوف، ۱۳۸۳: ص ۱۳).

در متن کتیبه سنگ مزار یا استل خواسگ که به دستور اردوان پنجم در شهر شاهی شوش برای خواسگ شهریان شوش برپا شده است، دگرباره به روز مهر اشاره شده است (تصویر ش ۳).

«اردوان شاه شاهان، ... این بنای یادبود خواسگ ... را ساخت، سال ۲۱۶، ماه اسفند، روز مهر» (باغ‌بیدی، ۱۳۸۵: ص ۱۴۱).



تصویر ش ۳: نمایی از سنگ مزار خواسگ (ده‌پهلوان، ۱۳۹۷: ص ۶۲).

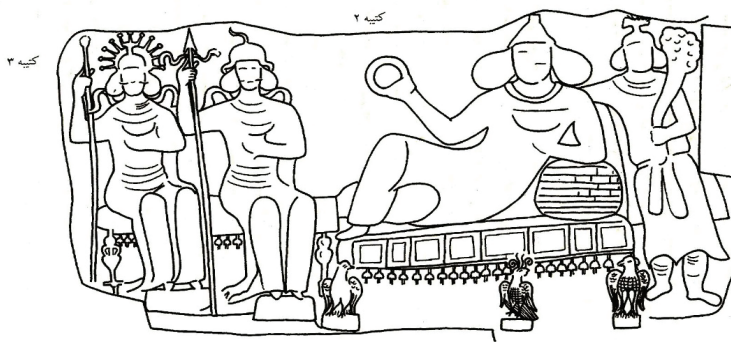
همچنین در بنجاق اورمان که از منطقه اورامانات شهرستان پاوه استان کرمانشاه به خط پهلوی اشکانی به دست آمده است، نام مهر دیده می‌شود (تصویر ش ۴) (Minns, 1915: 22-65).

«(در) سال ۳۰۰، ماه خرداد می‌فروشد ... گرپناه پور مهری فری، ... تاکستان اسمگ را ...» (عریان، ۱۳۸۲: ص ۲۲).



تصویر ش ۴: چرم نوشته اورمان به خط پهلوی اشکانی (Minns, ۲: ۱۹۱۵).

میان نقوش برجسته منطقه الیمایی تنگ سروک (دوران اشکانی) در سطح شمال شرقی صحنه ای وجود دارد که فردی را با سرپوشی از اشعه های خورشید نشان می دهد. از دید برخی پژوهشگران نوع پوشش وی نشان دهنده تصویر میتراست (تصویر ش ۵) (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۹: ص ۷۹).



تنگ سروک II، سطح شمال شرقی، صحنه بالایی

تصویر ش ۵: تنگ سروک II، سطح شمال شرقی، صحنه بالایی (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۹: ص ۷۵).

۲-۲. شواهد غیرمستقیم

کهن‌ترین شاهد به معبدی با نام میترا در محوطه گنورتپه ترکمنستان با بازه زمانی اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پ.م باز می‌گردد. این معبد دارای محرابی بزرگ و دایره‌ای شکل، با آثار سوختگی عظیم ناشی از افروختن آتش مقدس است. کاوشگر محل با نظر به اینکه دایره و افروختن آتش در بسیاری از ادیان استعاره از خورشید و ارتباط آن با میتراست، این مکان را معبد میترا معرفی می‌کند (تصویر ش ۶) (بگمراذوا، ۱۳۹۵: ص ۶۸ - ۶۹؛ Sarianidi, 2008: 116).



تصویر ش ۶: محوطه گنورتپه ترکمنستان (Sarianidi, ۲۰۰۷: ۱۹).

نمونه پسین به ناحیه شمال ایران و گورستان مارلیک باز می‌گردد. قدمت این محوطه به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م می‌رسد. از داخل گورها، ظروف سنگی استوانه‌ای و هاون شکل به دست آمده است که کاوشگر محل آنها را در ارتباط با انجام مراسم مذهبی آیین مهر و نوشیدن عصاره گیاه مقدس هوم یا هئومه می‌داند و اضافه می‌کند مهرپرستی در آن زمان میان ساکنان این ناحیه وجود داشته است (تصویر ش ۷) (نگهبان، ۱۳۴۳: ص ۵۲).



تصویر ش ۷: ظروف یا هاون سنگی، گورستان مارلیک، اواخر هزاره دوم یا اوایل هزاره اول پ.م، (نگهبان، ۱۳۴۳: شکل ۳۳).

پس از آن با واژه خشترَپتی در کتیبه سه‌زبانه کسانتوس (خانتوس) مواجه هستیم. این متن از جمله متون برجای مانده دوران مادهاست. بر اساس تفسیر واژه‌شناسی آدرین دیوید بیوار، بیان‌کننده لقب یا به عبارت دقیق‌تر تجلی‌ای از ایزد ایرانی مهر از دوره مادها تا سده چهارم م. است که میان متون مختلف مشاهده می‌شود (بیوار، ۱۴۰۰: ص ۳۵ - ۳۷).

۳. نظریه‌ها

پس از متونی که تاریخ‌نویسان دوران باستان درباره سرچشمه و شیوه شکل‌گیری میترائیسم ارائه کرده‌اند، با فرضیه یا نظریه‌های پژوهشگران این حوزه به سردمداری فرانتس کومون مواجه هستیم. برای بررسی هرچه شایان‌تر و دست‌یابی بر مبدأ این آیین، به دسته‌بندی این فرضیه‌ها از نظر زمانی و مکانی می‌پردازیم.

۳-۱. منشأ شرقی

در این نوشتار مقصود از منشأ شرقی، محدوده کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی است. کهن‌ترین فرضیه از منظر زمانی به ورود اقوام آریایی به ایران و هند باز می‌گردد (پورشریعتی، ۲۰۱۴؛ پورداود، ۱۳۵۵: ص ۳۹۵؛ ویدنگرن، ۱۳۷۷؛ Foltz, 2013). نمونه دیگر بر اساس قدمت و به لحاظ واقع بودن در شرق، محوطه گنورتپه مرو در ترکمنستان امروزی است. کاوشگر آن با نظر بر عبادتگاه و دیگر شواهد باستان‌شناختی منسوب به ایزد مهر، مرو را سرچشمه مهرپرستی مشرق‌زمین می‌داند. (Sarianidi, 2008: 116) نظریه‌های جدیدتری وجود دارند که گورستان مارلیک را بر اساس شواهد باستان‌شناختی (ظروف استوانه‌ای یا هاون شکل موسوم به ظروف هومه‌نوشی) (کورشکین، ۱۳۸۱: ص ۳۷) و همچنین شواهد قوم باستان‌شناختی، ناحیه شمال ایران پس از ورود آریایی‌ها را نقطه مرکزی کیش مهر در نظر می‌گیرند (نویان، ۱۳۹۶: ص ۲۴). پس از آن با فرضیه آغاز و نشست‌گیری مهرپرستی از کشور ماد توسط برخی پژوهشگران به سردمداری بیوار مواجه هستیم که بر اساس برخی شواهد واژه‌شناسی قدمت مهرپرستی را به دوره مادها می‌رسانند (بیوار، ۱۴۰۰: ص ۴۷ - ۴۸؛ هژبری، ۱۳۹۲: ص ۸؛ عطائی، ۱۳۹۰: ص ۳۵ - ۳۹؛ Rezaie, 2019: 273). فرانتس کومون با استناد به متون آرامی کتیبه‌های کشف شده از آسیای صغیر (ایالتی هخامنشی)، بر هخامنشی بودن این آیین تأکید می‌ورزد (Cumont, 1956: 14-15). پژوهشگران دیگری بر اساس نقش برجسته‌های میترای و متون برجای مانده کلاسیک، فرضیه هخامنشی بودن میترائیسم رومی کومون را قوت بخشیدند (لاژار، ۱۳۹۱: ص ۱۶؛ Gordon, 2007: 395؛ Campball, 1954: 1-60). در این میان افرادی هم بر شکل‌گیری آیین مهر در غرب ایران هخامنشی و تأثیرپذیری از فرهنگ میان‌رودانی اعتقاد دارند (Shaked, 1980: 14; Pavia, 2010: 13; Jakubiak, Soltysiak, 2006: 51-50).

برخی از صاحب نظران قدمت منشأ مهرپرستی را به دوره اشکانیان و شخصیتی تاریخی می‌رسانند که در زمان اردوان اول اشکانی می‌زیست (بهروز، ۱۳۳۱: ص ۹۴ - ۱۱۳؛ مقدم، ۱۳۳۴: ص ۶۷ - ۷۰). فرضیه‌هایی هم بر منشأ دقیق مهرپرستی اشاره‌ای ندارند؛ اما بر انتشار آن به امپراتوری روم باستان در زمان اشکانیان تأکید می‌ورزند (Speidel, 1978: 184-479; Eduljee, 2016: 2; Mazhjo, 2020: 2; Miller, 2006: 112).

برخی دیگر بر اساس پاره‌ای از شواهد باستان‌شناختی، سرچشمه مهرپرستی غرب را به دوران اشکانی و شمال غرب ایران به‌ویژه قلعه ضحاک پیوند می‌دهند (عمرانی و مرادی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۴؛ ۵۴-۵۳: 2019; Shekariniri, 314: 1998; Widegrem). از سوی برخی محققان فرضیه‌هایی بر منشأ شرقی کیش مهر با تکیه بر اسطوره‌هایی ایرانی ارائه شده است که بنیان علمی محکمی ندارند و باید مورد تأمل بسیار قرار گیرند؛ برای مثال ربط دادن منشأ مهر به رودخانه هامون و سکستان (مقدم، ۱۳۸۸: ص ۳۹) و دیگری بر مکانی اسطوره‌ای به نام آتلانتیس پیرامون فلات ایران امروزی (فرخزاد، ۱۳۸۹).

۲-۳. منشأ آسیای صغیر

برخی از پژوهشگران حوزه میترائیسم بر این فرضیه که آیین میترا برگرفته از سنت دینی، دیرینه و نهادینه شده ایرانی به صورت یک نام در آسیای صغیر اتفاق نظر دارند و شکل‌گیری آن را در آسیای صغیر می‌دانند؛ آنها معتقدند سنت یونانی - هلنیستی موجود در آن منطقه بستری برای شکل‌گیری آیین میترا بوده است و در صورت تماس با فرهنگ رومی اسباب تأثیرپذیری فراهم آمد و آیین میترا رومی شکل گرفته است (Turkan, 1933: 19-29; Will, 1978: 527-536; Colpe, 1975: 390-394; Schwertheim, 1979: 13-29; Boyce, Gerent; 1991: 468-490; Gordon, 1978: 148-174; Lahe, 2018: 491).

در این میان فرضیه مشهوری، سرچشمه میترائیسم رومی را به گروه بنیان‌گذاری متشکل از وابستگان نظامی و غیرنظامی به پادشاهی کوماژن نسبت می‌دهد - Beck, 1998: 115-128. این فرضیه به استارتاک (Star Talk) مشهور است و سال‌ها پیش از آن هم توسط استارک بررسی شده بود (Stark, 1869: 1-25). فرضیه دیگری منشأ میترائیسم را به آسیای صغیر، اما این بار به مرکزیت شهر تارسوس در استان کلیکیه پیوند می‌زند. (Frothingam, 1918: 63-64) در سال‌های بعد این فرضیه با تأکید بر تفاسیر نجومی، به‌ویژه نقش مایه تاورکتونی مورد بازنگری و تأیید قرار گرفت (Will, 1955؛ اولانسی، ۱۳۹۶: ص ۷۵ - ۸۲). فرضیه دیگری مهد فرقه میترا را با توجه بر شواهد قوم باستان‌شناختی به پادشاهی بوسپور و منطقه‌ای در اطراف شبه جزیره کریمه باز می‌گرداند (Beskow, 1978: 7-18). ایگور دیاکونوف نخستین بار درباره ریشه‌های ارمنی - اورارتویی میترائیسم در ارمنستان دوره هخامنشی نوشت و پس از آن این فرضیه را پطروسیان با تکیه بر اسطوره‌های ارمنی دوباره مطرح کرده است (petrosyan, 2006: 222-238).

۳-۳. منشأ غربی

گروهی از نظریه پردازان برخلاف وجود برخی جنبه‌ها مانند نام پارسی و لباس شرقی میترا که فرضیه ایرانی بودن آن را در ذهن متبادر می‌سازند، اعلام می‌دارند این آیین تصاویر و اعمالی دارد که هیچ شباهت روشنی در خاور نزدیک ندارد و کاملاً محلی و محصول امپراتوری روم هستند و هرگز فراتر از مرزهای امپراتوری سفر نکرده‌اند (Hopfe, Lease, 1975; Nadeau, 2020: 15; Hopfe, 1994: 8&18; Abruzzi, 2018: 8; Dirven, Mccarty, 2014: 43). با این وجود فرضیه‌های دیگری گام فراتر نهاده و به استان‌های خاصی از امپراتوری روم برای نقطه شروع میترائیسم اشاره می‌کنند؛ مانند فرضیه‌ای که شهر رُم و اوستیارا در زمان امپراتوری

کومودوس را سرآغازی برای این فرقه می‌داند (Clauss, 2001: 7; Vermaseren, 1981: 96-120; Liebeschuetz, 1994: 195-216; Jacobs, 1999: 33-36). سناریوی دیگری افزون بر رومی‌پنداشتن این آیین، آن را اختراع یک فرد نابغه مذهبی ناشناخته یا گروه محدودی از بنیان‌گذاران می‌داند (Nilsson, 1961: 675-676; Merkelbach, 1984: 75-77, 160-166; Clauss, 2000: 7-8). زمان منشأگرفتن این فرقه از روم وجود دارد؛ برای نمونه می‌توان فرضیه‌ای بر اساس شواهد باستان‌شناختی آیین میترا را به روم در دوره فلاویان نسبت می‌دهد (Gordon, 2007: 395). پژوهشگر دیگری با مطالعه کردن نقش برجسته‌های میترای، زمان شکل‌گیری این فرقه را مرتبط با سلطنت آگوستوس و استان پالاتین معرفی می‌کند (Mastrocinque, 2017: 177). شبه جزیره بالکان از دیگر مکان‌هایی است که در جایگاه محدوده‌ای در ارتباط با شکل‌گیری فرقه میترا بدان اشاره شده است (Wikander, 1951: 5-46).

۳-۴. بریکولاژ (Bricolage) مذهبی

برخی از پژوهش‌های انجام شده، میترائیسم را یک بریکولاژ مذهبی در نظر می‌گیرند و فرضیه نوینی در رابطه با آن ارائه می‌دهند. برای روشن‌تر شدن مطلب ابتدا به توضیح مفهوم کلی آن می‌پردازیم. بریکولاژ به معنای ساخت یا خلق اثری جدید، شامل طیف متنوعی از مواد یا الگوها می‌شود که به صورت اتفاقی یا با استفاده از رسانه‌های مختلط در دسترس قرار گرفته است. این اصطلاح همواره مورد توجه علوم بسیاری از جمله مردم‌شناسی، فلسفه و دین بوده است. این اصطلاح در مطالعات فرهنگی به معنای فرایندی است که به وسیله آن مردم با جذب موضوع‌هایی از میان طبقات مختلف جامعه، هویت‌های جدید فرهنگی خلق می‌کنند. مردم در بریکولاژ، کنشگران اجتماعی هستند که از جوامع مختلف محلی، قومی، ملی و فراملی الگوهای راگزینش می‌کنند و هویت آنان تصویری

رنگارنگ از این قطعات انتخاب شده است (Spychalska-Stasiak, 2020: 125-126). حال به فرضیه بریکولاژ مذهبی مطرح شده از سوی برخی از صاحب‌نظران در رابطه با مهرپرستی باز می‌گردیم. این اصطلاح بر اساس مطالعات پرتحرک پرستش‌های میترا، همچنین درک پیچیدگی و دوگانگی آن شکل گرفته است. آنها آیین میترای رومی را بریکولاژی مذهبی برگرفته از راهبردهای مذهبی و پیوندی درونی تحت تأثیر و شکل گرفته از پارسی‌گرایی، رازآمیزی یونانی، فلسفه و شمایل‌نگاری کلاسیک یونانی - رومی می‌خوانند (Faraone, 2013; Bremmer, 2014; Rüpke, 2018: 313-319; Csaba, 2019: 329).

فرضیه‌های مختلفی از سوی برخی پژوهشگران این حوزه طرح شده است که به لحاظ مبنا منطبق بر فرضیه بریکولاژ مذهبی هستند؛ مانند فرضیه‌ای که به میترائیسم رومی با دیدی کاملاً مجزا و نمادشناسی منحصر به فرد نمی‌نگرد و آن را اسرار تغییر یافته‌ای می‌داند که در دیگر فرهنگ‌های زمانه دیکته شده و تجلی یافته است و قدمتی بس طولانی دارد (Provanzano, 2009: 102-104; Mendez, 2006: 12-14).

۳-۵. منشأ نام‌مشخص

میان انبوهی از دیدگاه‌ها، پژوهشگرانی با تأکید بر وجودنداشتن هرگونه شواهد تجربی قاطع یا منابع تاریخی باورمندند مکان یا گروه بنیان‌گذار خاصی که ممکن است آیین رومی میترا از آن سرچشمه گرفته باشد یا شرایط تاریخی خاصی که تحت آن این روند رخ داده باشد را به طور قطعی نمی‌توان شناسایی و توصیف کرد (Chalupa, 2016: 95). برخی هم منابع مکتوب موجود که اشاره بر روایت زرتشت و غار دارند و چند ویژگی پارسی‌گرایی مشهود میترائیسم را دلیل کافی برای نسبت دادن مکان یا زمان خاصی بر تولد اسرار میترا نمی‌دانند و بر نام‌مشخص بودن منشأ اصرار می‌ورزند (Nabraz, 2005: 17-18; Canciani, 2022: 26).

تحلیل و نتیجه

پس از بررسی فرضیه‌های مطرح شده از سوی میتراپژوهان می‌توان دریافت این صاحب نظران بر شکل‌گیری میترائیسم غربی در غرب اتفاق نظر دارند؛ اما بیشتر آنها، میترائیسم را آیینی برگرفته از شرق می‌دانند و به دنبال شناسایی ریشه‌های شرقی آن، فرضیه‌های متفاوتی را طرح نموده‌اند. این پژوهش پس از پرداختن به گواهی‌های تاریخی، شواهد باستان‌شناختی و فرضیه‌های مطرح شده پژوهشگران این حوزه در مورد شناخت ریشه یا منشأ نخست آیین مهر و میترائیسم، بر اساس مکان و زمان بندی شواهد موجود، این‌گونه تحلیل و جمع‌بندی می‌کند که با توجه بر قرارگیری کهن‌ترین اسناد میتراپی موجود در مشرق زمین، ریشه‌های آغازین مهرپرستی به شرق باز می‌گردد. این آیین از شرق به سمت غرب حرکت کرده است و در مسیر خود با فرهنگ و آیین‌های مختلف درآمیخته و منجر به شکل‌گیری میترائیسم به صورت یک بریکولاژ مذهبی در غرب و نهایت مسیر شده است. در ادامه باید افزود کهن‌ترین سند معتبر و مکتوب موجود در ارتباط با این آیین، متون مذهبی اقوام هندواروپایی (ودها) با قدمت زمانی بین سال‌های ۱۷۵۰ تا ۶۰۰ پ.م است. افزون بر متن مذهبی مهریشت، متون کلاسیک غربی نیز بر مهرپرستی در جایگاه آیینی شرقی و ایرانی با مرکزیت ماد و پارس اشاره دارند. شواهد باستان‌شناختی دیگری همچون یافته‌های گنورپه ترکمنستان و گورستان مارلیک واقع در شمال ایران، در دسترس است که به لحاظ زمانی قدمت آیین مهر را تا هزاره دوم پ.م به عقب می‌برد. این‌گونه شواهد فرضیه شرقی بودن منشأ یا مکان نخست آیین مهر را قوت می‌بخشد که برخی از صاحب نظران بر آن اصرار ورزیده‌اند؛ چراکه دلایلی محکم و انکارنشدنی در این باره هستند و فرضیه‌های منشأ آسیای صغیر، منشأ غربی و منشأ نامشخص را دچار تردید می‌سازند. آن دسته از فرضیه‌ها که بر منشأ آسیای صغیر تأکید دارند و معتقدند تنها نام میترا برگرفته از شرق است، به این نکته توجه نمی‌کنند که سلسله کوماژتیان با نشانه‌هایی از مهرپرستی، به دست رهبری (آنتیوخوس) اداره می‌شد که دارای خون و نیای

پارسی - هخامنشی بود و این امر که مهرپرستی او می‌توانست موروثی باشد، بسیار محتمل است. در این صورت می‌توان افزود آیین مهر بر اثر پیوندهای درونی از سرزمین پارس به یکی از سرزمین‌های تحت سلطه هخامنشیان در آسیای صغیر صادر شد و اسباب شکل‌گیری یک بریکولاژ مذهبی فراهم آمده است. پس از آن درحالی‌که راهبردهای مذهبی شرق را اکتساب کرده به سمت غرب روانه شده بود، در آنجا با رازورزی یونانی و فلسفه و شمایل‌نگاری یونانی - رومی درآمیخته شد و به شکل پیوند درونی جدیدی با نام میترائیسم وارد امپراتوری روم باستان شد، به حیات خود ادامه داد و از آنجا به دیگر نقاط اروپا و شمال آفریقا صادر شده است. با وجود روشن بودن تفاوت‌های شایان آیین مهر شرق و میترائیسم غرب، آن گروه از نظریه‌پردازان که بر منشأ غربی و منشأ نامشخص مهرپرستی اصرار می‌ورزند، باید به نقش اقوام هندواروپایی با استناد بر شواهد موجود و قدمتی بس طولانی‌تر از مدل غربی آن توجه داشته باشند؛ زیرا نمی‌توان این شاهد و دیگر نمونه‌های شرقی را در شکل‌گیری و گسترش مهرپرستی به غرب نادیده گرفت و بر میترائیسم با دیده‌ای کاملاً مجزا و نمادشناسی منحصر به فرد از مدل غربی نگریست. با استناد بر موارد ذکر شده می‌توان اظهار داشت آیین مهر در مشرق زمین به وسیله اقوام هندواروپایی پدیدار شد، با فرهنگ پارسی درآمیخته شد و درحالی‌که فرهنگ دیگر ملت‌های شرق تا به غرب در آن دیکته شده بود، به شکل میترائیسم شناخته شده غربی و به صورت یک بریکولاژ مذهبی تجلی یافت، به حیات خود ادامه داد و به دیگر نقاط صادر شد. در نهایت باید اذعان داشت فرضیه بریکولاژ مذهبی با نقطه آغاز یا منشأ شرقی، پاسخ منطقی و پذیرفتنی در این باره است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مخفف کتاب بهاویشیا پورانا (Bhavishya Purana)

۲. مخفف کتاب سامبا پورانا (Samba-purana)

کتابنامه

- اولانسی، دیوید (۱۳۹۶ ش)؛ پژوهشی نو در میتراپرستی؛ کیهان‌شناسی و نجات و رستگاری در دنیای باستان؛ ترجمه: مریم امینی؛ چ چهارم، تهران: نشر چشمه.
- بگم‌رادوا، مهری (۱۳۹۵ ش)؛ «نشانه‌های پیشازرتشتی در مرغیانای ترکمنستان»؛ مجله باستان‌پژوهی، دوره جدید، س ۹، ش ۱۹.
- بنونیست، امیل (۱۳۸۶ ش)؛ دین‌های ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی؛ ترجمه: بهمن سرکاراتی؛ تهران: قطره.
- بهروز، ذبیح‌الله (۱۳۳۱ ش)؛ تقویم و تاریخ در ایران؛ در: ایران‌کوده (از رصد زردشت تا رصد خیام زمان مهر و مانی)؛ ش ۱۵؛ تهران: [بی‌نا].
- بیوار، آدریان (۱۴۰۰ ش)؛ چهره‌های مهر در باستان‌شناسی و ادبیات؛ ترجمه: عسکر بهرامی؛ چ دوم، تهران: ماهی.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۸۵ ش)؛ اوستا؛ ج ۱، چ دهم، تهران: گلشن.
- ده‌پهلوان، مصطفی (۱۳۹۷ ش)؛ «نظام‌های گاه‌شماری در دوره اشکانی (بر اساس شواهد مکتوب و یافته‌های باستان‌شناختی)»؛ همایون‌نامه: نکوداشت کارنامه علمی دکتر ناصر تکمیل‌همایون؛ تهران: نگارستان اندیشه.
- دیاکونوف، ای؛ لیوشیتس، آ (۱۳۸۳ ش)؛ کتیبه‌های اشکانی نیسا (اسناد اقتصادی)؛ ترجمه: شهرام حیدرآبادیان؛ تهران: کالم شیدا.
- رزم‌جو، شاهرخ (۱۳۷۶ ش)؛ «مراسم لن و دیگر مراسم آیینی در دوره هخامنشی (بر اساس گل‌نوشته‌های باروی تخت جمشید)»؛ در: یاد بهار: یادنامه دکتر مهرداد بهار؛ تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۷۸ ش)؛ «ردپای سپندارمذ در تخت جمشید و پیشنهادی برای تلفظ دیگر یک‌شکل در خط میخی ایلامی»؛ باستان‌شناسی و تاریخ، س ۱۲، ش ۱ و ۲.
- ریگ ودا (۱۳۸۶ ش)؛ (گزیده سروده‌ها)؛ قدیم‌ترین سند زنده مذهب و جامعه هندو؛ به کوشش: تاراچند؛ ترجمه: محمدرضا جلالی نایینی؛ چ اول، تهران: طبع و نشر.

شورتهايم، المار (۱۳۷۱ ش)؛ گسترش یک آیین ایرانی در اروپا؛ ترجمه: نادرقلی درخشانی؛ چاول، کلن: مهر. عریان، سعید (۱۳۸۲ ش)؛ راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه؛ تهران: پژوهشکده زبان و گویش سازمان میراث فرهنگی کشور.

عطائی، محمدتقی (۱۳۹۰ ش)؛ «شواهدی از مهرپرستی در نوشیجان تپه ملایر»؛ باستان پژوهی، دوفصلنامه ایران‌شناسی (باستان‌شناسی، میراث فرهنگی و علوم وابسته)، دوره جدید، س ۴، ش ۹-۸. عمرانی، بهروز و امین مرادی (۱۳۹۳ ش)؛ «جایگاه مجموعه زهاک در روند ترویج اندیشه‌های مهرپرستی و معماری مرتبط با آن»؛ مطالعات باستان‌شناسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، دوره ۶، ش ۲.

فرخزاد، پوران (۱۳۸۹ ش)؛ مهره مهر؛ چ اول، تهران: نگاه. قدیانی، عباس (۱۳۷۸ ش)؛ تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره آریاها؛ تهران: فرهنگ مکتوب. کورشکین، ج (۱۳۸۱ ش)؛ «پژوهش باستان‌شناختی درباره آریاییان خاور نزدیک و گورستان شاهی مارلیک در شمال ایران»؛ ترجمه: علی اکبر وحدتی؛ باستان پژوهی، دوره قدیم، سال ۴، ش ۹. کومون، فرانتس (۱۳۷۷ ش)؛ ادیان شرقی در امپراتوری روم؛ ترجمه: ملیحه معلم و پروانه عروج‌نیا؛ چ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه‌ها (سمت). لاژار، ژان باتیست فیلیکس (۱۳۹۱ ش)؛ رازورم‌های آیین میترا (مهر)؛ ترجمه: سید حسن آصف‌آگاه؛ چ اول، تهران: طهوری.

مایرهوفر، مانفرد (۱۳۸۵ ش)؛ «ریشه‌شناسی و کهن‌ترین شواهد نام میترا»؛ در: دین مهر در جهان باستان (مجموعه گزارش‌های دومین همایش مهرشناسی)؛ ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر؛ چ اول، تهران: توس. مقدم، محمد (۱۳۳۴ ش)؛ «یادداشتی درباره مهر و زمان او»؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۷، ش ۱.

_____ (۱۳۸۸ ش)؛ جستاری درباره مهر و ناهید؛ چ سوم، تهران: نشر هیرمند. نگهبان، عزت‌الله (۱۳۴۳ ش)؛ مارلیک: گزارش مقدماتی حفريات «چراغعلی تپه»، هیئت حفاری رودبار ۱۳۴۰-۱۳۴۱؛ چ اول، تهران: وزارت فرهنگ.

نوابیان، میثم (۱۳۹۶ ش)؛ میترائیسم (مهرپرستی) در شمال ایران: بر اساس شواهد باستان‌شناختی و مردم‌شناسی؛ چ اول، رشت: فرهنگ ایلیا.

واندنبرگ، لویی و کلاوس شیپمن (۱۳۸۹ ش)؛ نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی؛ ترجمه: یعقوب محمدی فروزاده محبت‌خو؛ چ دوم، تهران: سمت.

هرودوت (۱۳۹۱ ش)؛ تاریخ هرودوت؛ ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر؛ ج اول، تهران: اساطیر.

هژبری، علی (۱۳۹۲ ش)؛ «مهرکده انوشگان»؛ در: همایش ملی باستان‌شناسی ایران دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها؛ بیرجند: دانشکده هنر بیرجند.

همباخ، هلموت (۱۳۷۹ ش)؛ میترا (مهر) در هندوستان و نزد مغان هندویی شده؛ ترجمه: رقیه بهزادی؛ چ اول، تهران: پژوهنده.

Abruzzi, W. S. (2018), Mithraism and Christianity.

https://www.academia.edu/38253240/Mithraism_and_Christianity_pdf.

Akçay, N. (2019). Porphyry's 'On the cave of the nymphs' in its intellectual context. *Studies in Platonism, Neoplatonism, and the Platonic Tradition*, vol. 23, Leiden: Brill.

Adrych, Ph.; Bracey; Dalglish; Lenk; Wood. (2017). *Images of Mithra. Visual Conversations in Art and Archaeology I*. Oxford & New York: Oxford University Press.

Beck, R. (1998). "The Mysteries of Mithras: A New Account of Their Genesis", *Journal of Roman Studies* 88, pp. 115-128.

Beskow, P.(1978). "The Routes of Early Mithraism", in: Jacques Duchesne-Guillemin (ed.), *Études Mithriaques: Actes du 2e Congrès international, Téhéran, du 1er au 8 septembre 1975*, Téhéran: Bibliothèque Pahlavi, pp. 7-18.

Bowman, Cf. R. (1970). *Aramaic Ritual Texts from Persepolis*, Chicago.

Bremmer, J. (2014). *Initiation into the mysteries of the ancient world*. Berlin & Boston: De Gruyter Publishing.

- Campbell, L.A. (1954). *Typology of Mithraic Tauroctones*. Berytus Archaeological Studies, E. Munksgaard publisher.
- Canciani, V. (2022). *Archaeological evidence of the cult of Mithras in ancient Italy*, PhD Thesis, Ghent University, Faculty of Arts and Philosophy, Università degli Studi di Verona.
- Chalupa, A. (2016). *The Origins of the Roman Cult of Mithras in the Light of new Evidence and interpretations: The Current State of Affairs*. *religio: revue pro religionistiku*. Brno: Česká společnost pro religionistiku o.s., vol. 24, No 1, pp. 65-91.
- Clauss, M. (2000). *The Roman Cult of Mithras: The God and His Mysteries*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Clauss, M. (2001). *The Roman Cult of Mithras: The God and His Mysteries*. New York: Routledge.
- Colpe, C. (1975). "Mithra-Verehrung, Mithras-Kult und die Existenz iranischer Mysterien", In: John Hinnells (ed.), *Mithraic Studies II*, Manchester: Manchester University Press.
- Cumont, F. (1956). *The Mysteries of Mithra*. Trans. Thomas J. McCormack. New York: Dover.
- Curtius, Rufus, *Historia Alexandri* 4.13.12, IV, Perseus digital library.
- Dirven, L.; Mccarty. (2014). *Local Idioms and Global Meanings: Mithraism and Roman Provincial Art, Being Roman: Roman Provincial Art* (ed. Hoffman & Brody).
- Bhavishya Purana (set of 6 Volumes). 2007. Dvaidayana, Vedavyasa, Sir krsna, Rasbihari Lal & Sons.
- Eduljee, K. E. (2016). *Mithra, Mithraism, Christmas Day & Yalda, Zoroastrian Heritage Monographs*.
- Dio Cassius, "Roman History,"N63.5.2. Dio, Cassius. N "Roman History."N Bill Thayer's Website. http://penelope.uchicago.edu/Thayer/E/Roman/Texts/Cassius_Dio/home.html.

- Faraone, Ch. (2013). The Amuletic Design of the Mithraic Bull-Wounding Scene, *Journal of Roman Studies*, pp. 96-116.
- Frothingam, A.L. (1918). The cosmopolitan religion of Tarsus and the origin of Mithra, (Abstract), *Aj Arch*, pp. 63-64.
- Gershevitch, I. (1959). *The Avestan Hymn to Mithra*, Cambridge.
- Gordon, R. L. (1978). "The Date and Significance of CIMRM 593 (British Museum, Townley Collection)", *Journal of Mithraic Studies* 2, pp. 148-174.
- Gordon, R. (2007). "Institutionalised Religious Options: Mithraism", In J. Rüpke (ed), *Blackwell Companion to Roman Religion* (Oxford).
- Henning, W. B. (1934). *OLZ*, pp. 6.
- Hopfe, L. M.; Lease. (1975). The Caesarea Mithraeum: A Preliminary Announcement. *The Biblical Archaeologist* 38(1): pp. 2-10.
- Hopfe, L. M. (1994). Archaeological Indications on the Origins of Roman Mithraism. In Lewis M. Hopfe (ed.), *Uncovering Ancient Stones: Essays in the Memory of H. Neil Richardson*. Winona Lake, Ind.: Eisenbrauns, pp. 147-156.
- Jacobs, B. (1999). Die Herkunft und Entstehung der römischen Mithrasmysterien: Überlegungen zur Rolle des Stifters und zu den astronomischen Hintergründen der Kultlegende, (*Xenia: Konstanzer Althistorische Vorträge und Forschungen* 43), Konstanz: Universitätsverlag Konstanz.
- Jakubiak, K.; Soltysiak. (2006). Mesopotamian Influence on Persian Sky-watching and Calendar Part I. Mithra, Shamash and Solar Festivals, In book: *Time and Astronomy in Past Cultures*, Publisher: Instytut Archeologii UW.
- Kent, R. G. (1953). *Old Persian*, New Haven, American Oriental Society.

- Lahe, J. (2018), *Mitra-Mithra-Mithras: The Roman Mithras and his Indo-Iranian background*, Acta Ant. Hung. 58, pp. 481–491.
- Liebeschuetz, W. (1994). “The Expansion of Mithraism among the Religious Cults of the Second Century”, in: John Hinnells (ed.), *Studies in Mithraism: Papers Associated with the Mithraic Panel Organized on the Occasion of the XVIth Congress of the International Association for the History of Religions*, Roma: L’Erma di Bretschneider, pp. 195-216.
- Lommel, H. (1962). *Die sonne das Schlechteste?*, Oriens XV.
- Lucian, *Deorum concilium*, sec. 9, perseus Digital library, English Translation by. A. M. Harmon. Cambridge, MA. Harvard University Press, London: William Heinemann Ltd.
- Mastrocinque, A. (2017). *The Mysteries of Mithras. A Different Account*, Orientalische Religionen in der Antike XXIV. Tübingen: Mohr Siebeck.
- Mayrhofer, M. (1973). *Onomastica Persepolitana*, Österreichische Akademie der Wissenschaften Wien.
- Mazhjoo, N. (2020). Being Mithraist: Embracing ‘other’ in the Roman cultural milieu, *Community and Identity at the Edges of the Classical World*, pp.139-153.
- Mendez, I. C. (2006). Continuity and change in the cult of Mithra, *Mithras Journal: an academic and religious journal of Greek, Roman and Persian Studies*, pp. 1-16.
- Merkelbach, R. 1984. *Mithras, Königstein im Taunus*: Anton Hain.
- Miller, W. (2006). The voyage of the Parthian: life and religion, *The Hawaiian Journal of History*, 40 (12) Pp 27-41.
- Minns. E. H. (1915), *Parchments of the Parthian Period from Avroman in Kurdistan*, The Journal of Hellenic Studies, Vol. 35, pp. 22-65.
- Nabraz, P. (2005). *the Mysteries of Mithras: The Pagan Belief that Shaped the Christian World*, Inner Traditions.

- Nadeau, J. (2020). How the Mithraeum of the Mithraic Cult Functioned as Sacred Space in Rome, University of Calgary, Athesis submitted to the faculty of gradute studies in partial fulfilment of the requirments for the degree of mqster of art.
- Nilsson, M. P. (1961). Geschichte der griechischen Religion II, München: C. H. Beck.
- Nougayrol, J.; Schaeffer. (1956). Le Palais Royal d'Ugarit (=Mission de Ras Shamara, Tome IX), IV, Imprimerie nationale, Paris.
- Onofrio, C. (2000). "Zur Überlieferung einiger Namen und Appellativa der Arier von Mitanni: 'A Luwian Look?'," in Bernhard Forssman and Robert Plath, eds., Indoarisch, Iranisch und die Indogermanistik. Arbeitstagung der Indogermanischen Gesellschaft vom 2. bis 5. Oktober 1997 in Erlangen, Wiesbaden, pp. 51-67.
- Origen, Contra Celsus, trans. Henry Chadwick (Cambridge: Cambridge University press, 1980).
- Pavia, C. (2010). Guide to Underground Rome: From Cloaca Massima to Domus Aurea, The Most Fascinating Underground Sites of the Capital, Gangemi Editore; Bilingual edition.
- Petrosyan, A. (2006). Haldi and Mithra/Mher. Aramazd: Armenian Journal of Near Eastern Studies, Vol. 1, pp. 222-238.
- Plutarch, Vita Pompei, 24 and E. D. Francise, note 'Plutarch's Mithraice Pirates' in Mithraice studies, I, pp. 207-210.
- Porphyry. 1965. L 'antre des nymphes, ed. F. Buffiere, dans Les Mythes d 'Homere et la pensee grecque, paris.
- Provanzano, C. (2009). The mysteries of Mithra: Tracing syncretistic connections to the ancient Near East Carlo Provanzano, M.A, California State University, Dominguez Hills.
- Rezaie, I. (2019). Some notes on arrangement pattern of the Trinity Symbols on the Rock-Cut Tomb of Qizqapan, Proceedings of the International Conference on The Iron Age in Western Iran and Neighbouring Regions, Kurdistan University, Sanandaj, Iran, Vol. 2, pp. 273-292.

- Rüpke, J. (2018). *Pantheon. A new history of Roman religion*. Princeton: Princeton University Press.
- Sarianidi, V. I. (2007). *Necropolis of Gonur*, English Translation by Inna Sarianidi, Kapon editions, Athen, Greec.
- Sarianidi, V. I. (2008). *Transactions of Margiana archaeological expedition*, Institute of Ethnology and Anthropology RAS Margiana archaeological expedition, Vol. 2, Moscow.
- Schwertheim, E. (1979). "Mithras: Seine Denkmäler und sein Kult", *Antike Welt Sondernummer*.
- Shaked, S. (1980). "Mihr the Judge". *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, Vol. 2, pp. 1-31.
- Shekari Niri, J. (2019). *Formation of the Mithraic Temples in Northwestern Iran and Comparison with Roman Mithraeums*, *Space Ontology International Journal (SOIJ)*, pp. 37-56.
- Speidel, M.P. (1978). *Parthia and the Mithraism of the Roman Army*, In: *Études Mithriaques: Actes Du 2e Congres International, Acta Iranica. Bibliothèque Pahlavi - Brill, Téhéran - Leiden*, pp. 479-184.
- Spychalska-Stasiak, J. (2020), *Bricolage in scientific research practice: An attempt at grasping the meaning of the concept*, *Kultura I edukacja*, pp. 113-136.
- Samba- purana. (2013). *Srivastava, V. C, parimal publication Pvt. Ltd; 2013th edition*.
- Strabo, *Geography*, books 1-17 in 8 volumes (Loeb classical Library), translated by Horace Leonard Jones, London.
- Stark, K.B. (1869). "Die mithrassteine Von Dormagen", *Jahrbucher des Vereins Von Altertumsfreunden in Rheinlande*, Vol. 46, pp. 1-25.
- Statius, *Thebaid I, Achilleid*. Translated by Mozley, J H. Loeb Classical Library volumes . Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd.
- Turcan, R. (1993) *Mithra et le mithraicisme*, Paris: Les Belles Lettres.
- Vermaseren, M. J. (1981). "Mithras in der Römerzeit", In: id. (ed.), *Die orientalische Religionen im Römerreich, (ÉPRO 93)*, Leiden: E. J. Brill.

- Widengren, G. (1998). *Ancient Persia*. Translation by Dr. Manouchehr Farhangneh, Die Religionen Irans, Stuttgart, 1965; Fr. Tr. L. Jospin, *Les religions de l' Iran*, Paris.
- Wikander, S. (1951). "Études sur les mystères de Mithra I: Introduction", In: *Vetenskapsocieten i Lund: Årsbok*, Lund: H. Ohlssons, France.
- Will, E. (1955). *Le relief culturel gréco-romain: contribution à l'histoire de l'art de l'empire romain*, Bibliothèque des écoles françaises d'Athènes et de Rome. De Boccard, Paris.
- Will, E. (1978). "Origine et nature du mithriacisme", In: Jacques Duchesne-Guillemin (ed.), *Études Mithriaques: Actes du 2e Congrès international, Téhéran, du 1er au 8 septembre 1975*, Téhéran: Bibliothèque Pahlavi 1978, pp. 527-536.
- Xenophon. 1914. *Cyroupaid VI*, pp. 53, translated by Walter Miller. Harvard University Press, Cambridge, MA; William Heinemann, Ltd., London.

References

- Abruzzi, William S. 2018. *Mithraism and Christianity*. https://www.academia.edu/38253240/Mithraism_and_Christianity_pdf.
- Adrych, Philippa, Robert Bracey, Dominic Dalglish, Stefanie Lenk, and Rachel Wood. 2017. *Images of Mithra*. Oxford University Press.
- Akçay, Nilüfer. 2019. *Porphyry's 'On the cave of the nymphs' in its intellectual context*. Leiden: Brill.
- Ataee, Mohammad Taghi. 1390 Sh. "Shavāhidī az Mihrparastī dar Nushijan Tappih Malayer." *Bāstānpazhūhī* 4, no. 8-9.
- Beck, Roger. 1998. "The Mysteries of Mithras: A New Account of Their Genesis." *Journal of Roman Studies*, no. 88: 115-28.
- Begmoradva, Mehri. 1395 Sh. "Nishānih-hāyi pīshā-Zartushtī dar Marghiyānā Turkmenistan." *Bāstānpazhūhī* 9, no. 19.

- Behrooz, Zabihollah. 1331 Sh. "Taqvīm va tārikh dar Iran." In *Iran kūdih (az raṣad-i Zardusht tār raṣad-i Khayyām zaman-i Mihr va Mānī)*, 15. Tehran: n.p.
- Benveniste, Emile. 1386 Sh. *Dīn-hāyi Irani bar pāyih-yi matn-hāyi mu'tabar-i Yūnānī*. Translated into Persian by Bahman Sarkarati. Tehran: Ghatreh.
- Beskow, Per. 1978. "The Routes of Early Mithraism." In *Études Mithriaques: Actes du 2e Congrès international, Téhéran, du 1er au 8 septembre 1975*, edited by Jacques Duchesne-Guillemin, 7-18. Téhéran: Bibliothèque Pahlavi.
- Bhavishya Purana. 2007. Dvaidayana, Vedavyasa, Sir krsna. Loi Bazar, Vrindavan: Rasbihari Lal & Sons.
- Bivar, Adrian. 1400 Sh. *Chihrih-hāyi Mihr dar bāstānshināsī va adabiyyāt* [The Personalities of Mithra in Archaeology and Literature]. Translated by Askar Bahrami. Tehran: Mahi.
- Bowman, Raymond. 1970. *Aramaic Ritual Texts from Persepolis*. Chicago: Oriental Institute of the University of Chicago.
- Bremmer, Jan. 2014. *Initiation into the mysteries of the ancient world*. Berlin & Boston: De Gruyter Publishing.
- Campbell, Leroy A. 1954. *Typology of Mithraic Tauroctones*. Berytus Archaeological Studies 11, no. 1: 1-60.
- Canciani, Vittoria. 2022. "Archaeological evidence of the cult of Mithras in ancient Italy." PhD diss. Università degli Studi di Verona.
- Cassius, Dio. n.d. *Roman History*. Bill Thayer's Website. http://penelope.uchicago.edu/Thayer/E/Roman/Texts/Cassius_Dio/home.html.
- Chalupa, Aleš. 2016. "The origins of the Roman cult of Mithras in the light of new evidence and interpretations: the current state of affairs." *Religio* 24, no. 1: 65-96.

- Clauss, Manfred. 2000. *The Roman Cult of Mithras: The God and His Mysteries*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Clauss, Manfred. 2001. *The Roman Cult of Mithras: The God and His Mysteries*. New York: Routledge.
- Colpe, Carsten. 1975. "Mithra-Verehrung, Mithras-Kult und die Existenz iranischer Mysterien." In *Mithraic Studies II*, edited by John Hinnells. Manchester: Manchester University Press.
- Cumont, Franz. 1377 Sh. *Adyān-i sharqī dar impirātūrī-yi Rūm* [The Oriental religions in Roman Paganism]. Translated into Persian by Maliheh Moallem and Parvaneh Orujnia. Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT).
- Cumont, Franz. 1956. *The Mysteries of Mithra*. Translated by Thomas J. McCormack. New York: Dover.
- Curtius, Rufus. n.d. *Historia Alexandri*. 4.13.12, IV. Perseus Digital Library.
- Dehpahlavan, Mostafa. 1397 Sh. "Nizām-hāyi gāhshumārī dar dawrih-yi Ashkānī (bar asās-i shavāhid-i maktūb va yāftih-hāyi bāstānshināsī)." *Homayoun-nāmih: nikūdāsht-i kārnāmih-yi 'ilmī-yi Dr. Nasser Takmil Homayoun*. Tehran: Negarestan-e Andisheh.
- Diakonoff, Igor M. and V.A. Livshits. 1383 Sh. *Katībih-hāyi Ashkānī-yi Nīsā (asnād-i iqtisādī)*. Translated by Shahram Heidarabadian. Tehran: Kalem Sheida.
- Dirven, Lucinda, and Matt McCarty. 2014. "Local idioms and global meanings: mithraism and Roman provincial art." *Roman in the Provinces: Art on the Periphery of Empire*: 125-41.
- Doostkhah, Jalil. 1385 Sh. *Avesta*. Tehran: Golshan.
- Eduljee, K. E. 2016. *Mithra, Mithraism, Christmas Day & Yalda*. N.p.: Zoroastrian Heritage Monographs.

- Faraone, Christopher. 2013. "The Amuletic Design of the Mithraic Bull-Wounding Scene." *Journal of Roman Studies*, no. 103: 96-116.
- Farrokhzad, Pooran. 1389 Sh. *Muhrih-yi mihr*. Tehran: Negah.
- Frothingham, A. L. 1918. "The Cosmopolitan Religion of Tarsus and the Origin of Mithra." *American Journal of Archaeology* 22, no. 1: 63-64.
- Gershevitch, Ilya. 1959. *The Avestan Hymn to Mithra*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ghadyani, Abbas. 1378 Sh. *Tārīkh, farhang, va tamaddun-i Iran dar dawrih-yi Aryahā*. Tehran: Farhang-e Maktoob.
- Gordon, Richard L. 1978. "The date and significance of CIMRM 593 (British Museum, Townley Collection)." *Journal of Mithraic Studies* 2, no. 1: 148-74.
- Gordon, Richard. 2007. "Institutionalised Religious Options: Mithraism." In J. Rüpke (ed), *Blackwell Companion to Roman Religion*, edited by J. Rüpke. Oxford: Blackwell.
- Henning, W. B. 1934. "Review of AVW Jackson, Researches in Manichaeism." *OLZ*, no. 37: 749-56.
- Herodotus. 1391 Sh. *Tārīkh-i Hirūdut*. Translated into Persian by Morteza Saghebfar. Tehran: Asatir.
- Hojbari, Ali. 1392 Sh. "Mihrkadih-yi Anūshgān." In *National Conference of Iranian Archeology: achievements, opportunities, challenges*. Birjand: Birjand Faculty of Arts.
- Hopfe, Lewis Moore, and Gary Lease. 1975. "The Caesarea Mithraeum: a preliminary announcement." *The Biblical Archaeologist* 38, no. 1: 2-10.
- Hopfe, Lewis Moore. 1994. "Archaeological Indications on the Origins of Roman Mithraism." In *Uncovering Ancient Stones: Essays in the Memory of H. Neil Richardson*, edited by Lewis M. Hopfe, 147-56.. Winona Lake, Ind.: Eisenbrauns.
- Humbach, Helmut. 1379 Sh. *Mitrā (Mihr) dar Hindūstān va nazd-i mughān-i Hindūyī-shudih*. Translated by Roghayyeh Behzadi. Tehran: Pazhoohandeh.

- Jacobs, Bruno. 1999. *Die Herkunft und Entstehung der römischen Mithrasmysterien: Überlegungen zur Rolle des Stifters und zu den astronomischen Hintergründen der Kultlegende*. Konstanz: UVK, Universitätsverlag.
- Jakubiak, Krzysztof, and Arkadiusz Sołtysiak. 2006. "Mesopotamian Influence on Persian Sky-watching and Calendar." *Part II. Ishtar and Anahita*, no. 10: 45-51.
- Kent, R. G. 1953. *Old Persian, New Haven*. Ann Arbor, MI: American Oriental Society.
- Kurochkin, G. 1381 Sh. "Pazhūhish-i bāstānshinākhtī darbārih-yi Āryāyiyān-i khāvar-i nazdīkh va gūristān-i shāhī Marlik dar shumāl-i Iran." Translated by Ali Akbar Vahdati. *Bāstānpazhūhī* 4, no. 9: 33-38.
- Lahe, Jaan. 2018. "Mitra-Mithra-Mithras: The Roman Mithras and His Indo-Iranian Background." *Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae* 58, no. 1-4: 481-91.
- Lajard, Fe'lix. 1391 Sh. *Rāz va ramzhāyi āyīn-i Mitrā (Mīhr)*. Translated by Seyed Hassan Asef Agah. Tehran: Tahoori.
- Liebeschuetz, Wolf. 1994. "The Expansion of Mithraism among the Religious Cults of the Second Century." In *Studies in Mithraism: Papers Associated with the Mithraic Panel Organized on the Occasion of the XVIth Congress of the International Association for the History of Religions*, edited by John Hinnells, 195-216. Roma: L'Erma di Bretschneider.
- Lommel, Herman. 1962. "Die Sonne das Schlechteste? Strophe 10 der fünften Gāthā des Zarathuštra, Yasna 32." *Oriens*: 360-73.
- Lucian, Deorum concilium, sec. 9. n.d. Perseus Digital library, translated by A. M. Harmon. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Mastrocinque, Attilio. 2017. *The Mysteries of Mithras. A Different Account*. Tübingen: Mohr Siebeck.

- Mayrhofer, Manfred. 1385 Sh. "Rīshih-shināsī va kuhantarīn shavāhid-i nām-i Mītrā." In *Dīn-i Mihr dar jahān-i bāstān (majmū'ih guzārish-hāyi duvumīn hamāyish-i Mihrshināsī)*. Translated Morteza Saghebfar. Tehran: Toos.
- Mayrhofer, Manfred. 1973. *Onomastica Persepolitana*, *Osterreichische Akademie der Wissenschaften Wien*.
- Mazhjoo, Nina. 2020. "Being Mithraist: Embracing 'other' in the Roman cultural milieu." In *Community and Identity at the Edges of the Classical World*, edited by Irvin Aaron, 139-53. New York: John Wiley & Sons.
- Méndez, Israel Campos. 2006. "Continuity and Change in the Cult of Mithra." *Mithras Journal: an academic and religious journal of Greek, Roman and Persian Studies*, no. 1: 5-22.
- Merkelbach, Reinhold. 1984. *Mithras*. Königstein im Taunus: Anton Hain.
- Miller, Charles William. 2006. "The Voyage of the Parthian: Life and Religion Aboard a 19th-Century Ship Bound for Hawai 'i." *Hawaiian Journal of History*, no. 40: 27-46.
- Minns, Ellis H. 1915. "Parchments of the Parthian period from Avroman in Kurdistan." *The Journal of Hellenic Studies*, 35: 22-65.
- Moghaddam, Mohammad. 1334 Sh. "Yāddāshtī darbārih-yi Mihr va zamān-i ū." *Dānishkadih-yi adabiyyāt va 'ulūm-i insānī-yi Dānishgāh-i Tehran* 7, no. 1.
- Moghaddam, Mohammad. 1388 Sh. *Justārī darbāyih-yi Mihr va Nāhīd*. Tehran: Hirmand Publications.
- Nabarz, Payam. 2005. *The mysteries of Mithras: The pagan belief that shaped the Christian world*. Rochester, Vermont: Inner Traditions/Bear & Co.
- Nadeau, Justin Taylor. 2020. "How the Mithraeum of the Mithraic Cult Functioned as Sacred Space in Rome." PhD diss. University of Calgary.

- Navaiyan, Meisam. 1396 Sh. *Mithraism (Mihraparastī) dar shumāl-i Iran bar asās-i shavāhid-i bāstānshinākhtī va mardumshinākhtī*. Rasht: Farhang-e Ilia.
- Negahban, Ezzatollah. 1343 Sh. *Marlik: guzārish-i muqaddamātī-yi hafriyyāt-i Chiraghali Tappih, hay'at-i haffārī-yi rūdbār 1340-1341*. Tehran: Ministry of Culture.
- Nilsson, M. P. 1961. *Geschichte der griechischen Religion II*. München: C. H. Beck.
- Nougayrol, J. and Claude Frédéric-Armand Schaeffer. 1956. *Le Palais Royal d'Ugarit (=Mission de Ras Shamara, Tome IX), IV*. Paris: Imprimerie nationale.
- Omrani, Behrooz and Amin Moradi. 1393 Sh. "Jāygāh-i majmū'ih-yi Zāhhāk dar ravand-i tarvīj-i andīshih-hāyi Mihraparastī va mi'mārī-yi murtabi' bā ān." *Muṭālī'āt-i bāstānshināsī* 6, no. 2.
- Onofrio, C. 2000. "Zur Überlieferung einiger Namen und Appellativa der Arier von Mitanni: 'A Luwian Look?'" In *ndoarisch, Iranisch und die Indogermanistik. Arbeitstagung der Indogermanischen Gesellschaft*, edited by Bernhard Forssman and Robert Plath, 51-67. Erlangen: Wiesbaden.
- Origen. 1980. *Contra Celsus*. Translated by Henry Chadwick. Cambridge: Cambridge University Press.
- Oryan, Saeid. 1382 Sh. *Rāhnamāyi katībih-hāyi Irāni-yi miyānih*. Tehran: Language and Dialect Research Center, Cultural Heritage Organization.
- Pavia, C. 2010. *Guide to Underground Rome: From Cloaca Massima to Domus Aurea, The Most Fascinating Underground Sites of the Capital*. Gangemi Editore; Bilingual edition.
- Petrosyan, Armen. 2006. "Haldi and Mithra/Mher." *Aramazd: Armenian Journal of Near Eastern Studies*, 1: 222-38.
- Plutarch, Vita Pompei, 24 and E. D. Francise, note 'Plutarch's Mithraice Pirates' in *Mithraice studies*, I, 207-210.

- Porphry. 1965. *L 'antre des nymphes*. Edited by F. Buffiere. Paris: dans Les Mythes d 'Homere et la pensee grecque.
- Provanzano, Carlo. 2009. *The mysteries of Mithra: Tracing syncretistic connections to the ancient Near East*. Dominguez Hills: California State University.
- Razmjoo, Shahrokh. 1376 Sh. "Marāsim-i Lin va dīgar marāsim-i āyīnī dar dawrih-yi Hakhāmanishī (bar asās-i gul-nivishtih-hāyi bārūyi Takht-i Jamshīd)." In *Yad-i bahār: yādnāmih-yi Dr. Mehrdad Bahar*. Tehran: Agah.
- Razmjoo, Shahrokh. 1378 Sh. "Radd-i pāyi Sipandārmadh dar Takht-i Jamshīd va pīshnahādī barāyi talaffuz-i digar-i yik-shikl dar khaṭṭ-i mīkhī-i Īlāmī." *Bastānshināsī va tārikh* 12, no. 1-2.
- Rezaie, Iraj. 2019. "Some notes on arrangement pattern of the Trinity Symbols on the Rock–Cut Tomb of Qizqapan." *Proceedings of the International Conference on The Iron Age in Western Iran and Neighbouring Regions, Kurdistan University, Sanandaj, Iran*. Vol. 2, 273-92.
- Rigveda. 1386 Sh. *Guzīdih surūd-hā: qadīmtarīn sanad-i zindih-yi mazhab va jāmi'ih-yi Hindu*. Edited by Tarachand. Translated into Persian by Mohammad Reza Jalali Naini. Tehran: Ṭab' va Nashr.
- Rüpke, Jörg. 2018. *Pantheon. A new history of Roman religion*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Samba- purana. 2013. Srivastava, V. C. New Delhi, India: Parimal Publication.
- Sarianidi, V. I. 2007. *Necropolis of Gonur*. Translated by Inna Sarianidi. Athen, Greece: Kapon editions.
- Sarianidi, V. I. 2008. *Transactions of Margiana archaeological expedition*. Vol. 2. Moscow: Institute of Ethnology and Anthropology RAS Margiana archaeological expedition.
- Schwertheim, Elmar. 1371 Sh. *Gustarish-i yik āyīn-i Irani dar Urūpā*. Translated by Nader Gholi Derakhshani. Cologne: Mehr.

- Schwertheim, Elmar. 1979. "Mithras. Seine Denkmäler und sein Kult." *Antike Welt* Zürich 10: 3-76.
- Shaked, S. 1980. "Mihr the Judge." *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, no. 2: 1-31.
- Shekari Niri, Javad. 2019. "Formation of the Mithraic Temples in Northwestern Iran and Comparison with Roman Mithraeums." *Space Ontology International Journal* 8, no. 4: 37-56.
- Speidel, Michael P. 1978. "Parthia and the Mithraism of the Roman Army." In *Études Mithriaques: Actes Du 2e Congres International, Acta Iranica. Bibliothèque Pahlavi*, 479-84. Tehran, Leiden: Brill.
- Spychalska-Stasiak, Justyna. 2020. "Bricolage in Scientific Research Practice: An Attempt at Grasping the Meaning of the Concept." *Kultura i Edukacja* 2, no. 128: 113-36.
- Stark, K.B. 1869. "Die mithrassteine Von Dormagen." *Jahrbucher des Vereins Von Altertumsfreunden in Rheinlande*, no. 46, 1-25.
- Statius, Thebaid I, Achilleid. Translated by Mozley, J H. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Strabo, Geography, books 1-17 in 8 volumes (Loeb classical Library). Translated by Horace. London: Leonard Jones.
- Turcan, R. 1993. *Mithra et le mithraïsme*. Paris: Les Belles Lettres.
- Ulansey, David. 1396 Sh. *Pazhūhishī naw dar Mitrāparastī: kayhānshināsī va nijāt va rastigārī dar dunyāyi bāstān* [The Origins of the Mithraic Mysteries: Cosmology and Salvation in the Ancient World]. Translated by Maryam Amini. Tehran: Cheshmeh Publications.
- Vanden Berghe, Louis and Klaus Schippmann. 1389 Sh. *Nuqūsh-i barjastih-yi mantaqih-yi Ilīmāyī dar dawrān-i Ashkānī*. Translated into Persian by Yaghoub Mohammadifar and Azadeh Mohabbatkho. Tehran: SAMT.

- Vermaseren, Maarten J. 1981. "Mithras in der Römerzeit." In *Die orientalische Religionen im Römerreich*, edited by Maarten Vermaseren. Leiden: E. J. Brill.
- Widengren, Geo. 1965. *Die Religionen Irans*. Stuttgart : W. Kohlhammer Verlag
- Widengren, Geo. 1998. *Ancient Persia*. Translated by Manouchehr Farhangneh.
- Wikander, Stig. 1951. "Études sur les mystères de Mithra I: Introduction." In *Vetenskapssocieten i Lund: Årsbok*. Lund: H. Ohlssons, France.
- Will, Ernest. 1955. *Le relief culturel gréco-romain: contribution à l'histoire de l'art de l'empire romain*. Paris: Bibliothèque des écoles françaises d'Athènes et de Rome.
- Will, Ernest. 1978. "Origine et nature du mithriacisme." In *Études Mithriaques: Actes du 2e Congrès international, Téhéran, du 1er au 8 septembre 1975*, edited by Jacques Duchesne-Guillemin, 527-36. Tehran: Bibliothèque Pahlavi.
- Xenophon. 1914. *Cyroupaid VI*. Translated by Walter Miller. Cambridge, MA: Harvard University Press.